

بررسی اثرات اینترنت بر خانواده‌های دارای فرزند نوجوان

دکتر اسماعیل سعدی پور*

چکیده

خانواده نظام اجتماعی به نسبت بسته‌ای است که مرزهای قابل نفوذی دارد و اینترنت نوعی فناوری است که در آن رخنه کرده است. ورود ابداعات فناورانه به خانواده‌ها، تغییراتی را در هنجارها و نقش‌های اجتماعی به وجود آورده است. نوجوانی دوران گسترش رابطه با دوستان هم سن و سال و درگیر شدن در روابط اجتماعی است. اهداف: ۱. شناخت نظر والدین و نوجوانان درباره مسائلی مانند مرزهای خانواده، قدرت والدین، خودمختاری نوجوانان و گسترش حوزه‌های اجتماعی نوجوانان. ۲. شناخت انواع شیوه‌های مداخله و نظارت والدین در استفاده نوجوانان از اینترنت. روش: این پژوهش با روش اسنادی انجام شده است. نتایج: ۱. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات نوجوانان را در معرض اطلاعات بسیار زیادی درباره هر موضوع، در هر زمان و در هر مکان قرار داده است؛ ۲. دسترسی کودکان و نوجوانان به هرزه‌نگاری از طریق اینترنت، ساده‌تر از روش‌های سنتی آن است؛ ۳. نوجوانانی که با والدینشان احساس نزدیکی می‌کنند، در مدرسه موفق‌تر هستند. ۴. اینترنت زمانی را که والدین و فرزندان با هم سپری می‌کنند، کاهش می‌دهد. ۵. زمان اختصاص یافته به خانواده با تعارضات خانوادگی رابطه منفی دارد. تلویحات: ۱. قبل از انتقال از مطالعات مربوط به تلویزیون به مطالعات مربوط به اینترنت، به کارهای نظری و عملی بیشتری در مورد شبکه‌های اجتماعی، که برای شکل‌دهی و تداوم روابط ایجاد می‌شوند، نیاز است. ۲. درباره منشأ و دلایل ایجاد تعارض بین والدین و نوجوانان پژوهش‌های بیشتری مورد نیاز است.

کلید واژه‌ها: اینترنت، سازگاری خانواده، مرزهای خانواده، میانجی‌گری خانوادگی، نوجوان

مقدمه

افزایش استفاده از اینترنت در جامعه منجر به انجام پژوهش‌هایی در این باره شده است که این فناوری‌های جدید چگونه با زندگی روزمره ارتباط می‌یابند. پژوهشگران رابطه بین فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات و میزان درگیری و مشارکت اجتماعی، روابط بین‌فردی، جامعه‌پذیری، سرمایه اجتماعی و کار را مطالعه کرده‌اند. با وجود پژوهش‌های بسیار در این باره که جوامع، سازمان‌ها و افراد چگونه خود را با فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات وفق می‌دهند، ادبیات موجود درباره اثر انواع فناوری بر خانواده بسیار محدود است (هیوز^۱ و هانس^۲، ۲۰۰۱). اهمیت موضوع از این لحاظ است که وارد شدن فناوری‌های رایانه‌ای به خانه‌ها، فرایندی پیچیده است که رایانه در آن نقش فعالی ایفا می‌کند و منجر به پذیرفته شدن یا نشدن این فناوری‌ها می‌شود. فرایند خانگی کردن، فرایندی است که طی آن، «فناوری‌ها و خدمات جدید، که بنا به تعریف، تا حدی ناآشنا و بنابراین، هم هیجان‌انگیز و هم احتمالاً تهدیدآمیز هستند، از طریق کاربران خانگی تحت کنترل درمی‌آیند (یا نمی‌آیند)».

مفهوم خانگی‌سازی بر فرایندی دوطرفه دلالت دارد: خانواده باید خود را با فناوری‌ها وفق دهد، و در عوض، این امر الگوهای تعامل در خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این مقاله، تمرکز بر اثرات بالقوه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر خانواده است و اینکه خانواده‌ها چگونه با فناوری جدید سازگار می‌شوند.

نظام خانوادگی و فناوری اطلاعات و ارتباطات

در اینجا ما چارچوبی مفهومی را که وات^۳ و وایت^۴ (۱۹۹۴) طراحی کرده و در آن، رویکرد رشد خانواده و اکولوژی انسانی را برای مطالعه اثرات فناوری اطلاعات و ارتباطات بر خانواده‌ها به کار برده است، معرفی می‌کنیم. همان‌طور که مثال‌های زیر نشان می‌دهند، فرض بر این است که این اثرات، به مراحل رشدی خانواده بستگی دارد. از نظر ارتباطی، رایانه می‌تواند به فرایند انتخاب دوست کمک کند؛ کسانی که پیش از این یکدیگر را ملاقات نکرده‌اند، می‌توانند رابطه‌ای نزدیک و صمیمی برقرار کنند؛ در

1. Hughes

2. Hans

3. Watt

4. White

طول دوران بارداری، زوج‌ها می‌توانند با تکیه بر اطلاعات و گروه‌های آنلاین، توصیه‌ها یا اطلاعاتی را در زمینه سلامت خود و نوزادشان دریافت کنند؛ در دوران پیش‌دبستانی فرزندان، عضویت در یک گروه آنلاین می‌تواند به خانواده‌ها کمک کند تا فعالیت‌هایی را برای فرزندان خود بیابند یا از آنها بهتر مراقبت کنند و پس از اینکه فرزندان خانه را ترک کردند، رایانه می‌تواند ارتباط افراد خانواده را از طریق پیام‌نگار یا ایمیل، پیام فوری و نیز وب‌سایت‌های شبکه‌های اجتماعی^۱ (SNS) تسهیل کند.

با توجه به اثرات خاص‌تر فناوری اطلاعات و ارتباطات در خانواده‌ها، وات و وایت (۱۹۹۴) پیشنهاد نظریه اکولوژی انسانی^۲ را مطرح می‌کنند، که رشد انسان را در بستر روابط می‌داند. بر اساس این دیدگاه، خانواده یک نظام اجتماعی است که مرزهای قابل نفوذی دارد و فناوری منبع مهم تغییر آن محسوب می‌شود. ابداعات فناورانه وارد خانواده می‌شوند و تغییراتی را در هنجارها و نقش‌های اجتماعی به وجود می‌آورند. یک مثال ساده، نیاز به جا دادن رایانه در خانه و پیدا کردن مکانی برای آن است. در حالی که والدین به طور معمول ترجیح می‌دهند این گونه وسایل را در فضاهای عمومی خانه قرار دهند، نوجوانان مایل‌اند آنها را به اتاقشان ببرند (هورست^۳، ۲۰۰۸). اتاق خواب معنای ویژه‌ای برای نوجوانان دارد زیرا مکانی است که می‌توانند در آن کارهای شخصی و خصوصی خود را انجام دهند. چیدن وسایل اتاق همان گونه که دوست دارند، استفاده از رایانه هر چقدر که می‌خواهند و تزئین کردن اتاق با نمادهای فرهنگ نوجوانی، تلاش‌هایی برای خودمختاری است.

اطلاعات جدید تبدیل به کارکردهای جدید می‌شود و یک نتیجه ممکن این است که چون به طور معمول، فرزندان معمولاً دارای مهارت‌های رایانه‌ای هستند، نقش راهنما را پیدا می‌کنند و در این زمینه، به دیگر اعضای خانواده کمک می‌دهند. این تخصص دربردارنده تغییراتی در طبیعت روابط در زیرسیستم‌های خانواده است، زیرا این دانش، اغلب به شکل انجام دادن کاری برای والدین و در همین زمان، انحصاری ساختن استفاده از رایانه خود را نشان می‌دهد.

با توجه به رویکرد رشدی - اکولوژیکی^۴، خانواده یک نظام اجتماعی به نسبت

1. social networking sites

2. human ecology theory

3. Horst

4. developmental- ecological approach

بسته است و اینترنت نوعی فناوری است که «سوراخی در دیوار خانواده ایجاد کرده است» (دالی^۱، ۱۹۹۶، ص ۸۲). این مفهوم‌سازی، بر اهمیت مرزهای خانواده که در نیاز به حریم خصوصی و اختصاص دادن زمانی برای خانواده به عنوان یک امر ضروری برای عملکرد درست این نظام منعکس می‌شود، تأکید دارد. مرزهای بین خانواده و جهان خارج، دارای اهمیت و برای حفظ ایفای نقش اجتماعی والدین ضروری هستند؛ به این ترتیب، خانواده هسته‌ای مرزهای روشن و حتی سختگیرانه‌ای بین زندگی عمومی و خصوصی و بین کودکان و بزرگسالان تعیین می‌کند. روابط قوی خانوادگی از طریق آگاهی از مرزهای بین اعضای خانواده و دنیای بیرون شکل می‌گیرند. والدین و فرزندان در زندگی با یکدیگر، درباره اینکه آنها چرا و از چه جنبه‌هایی به همدیگر شبیه یا با هم، و همین طور با سایر خانواده‌ها و افراد، متفاوت هستند گفتگو می‌کنند.

پس از دنبال کردن رویکرد رشدی - اکولوژیکی به جای بحث کلی درباره خانواده، ما اکنون بر یک مرحله از چرخه زندگی خانواده تمرکز می‌کنیم: خانواده‌هایی با فرزندان نوجوان. در این مرحله روابط والدین و نوجوانان بر سر مسائلی مانند مرزهای خانواده، قدرت والدین، خودمختاری نوجوانان و گسترش حوزه‌های اجتماعی نوجوانان بررسی می‌شود (فولینگی^۲، ۱۹۹۸).

رویکرد رشدی - اکولوژیکی با رویکرد متنوع‌سازی^۳ همخوانی دارد. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به عنوان عوامل تغییر در جامعه شناخته می‌شوند زیرا امکان تولید، انتشار و دسترسی سریع به اطلاعات را فراهم می‌سازند و منجر به شکل‌گیری و تداوم شبکه‌های اجتماعی می‌شوند. در مرکز رویکرد متنوع‌سازی، مفهوم سازی اینترنت به عنوان فضایی برای فعالیت و تعامل اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. یک جنبه نوآورانه اینترنت این است که فرصت لازم را برای فعالیت‌هایی فراهم می‌کند که منجر به تعاملات اجتماعی می‌شوند. اینترنت فضایی را برای پرداختن به بازی‌های آنلاین، ارائه یک هویت عمومی از طریق ایجاد پروفایل عمومی در یک شبکه اجتماعی، دسترسی به اطلاعات و ملاقات با افراد جدید ایجاد می‌کند. از طریق مشارکت در بازی‌های تعاملی، گروه‌ها شکل می‌گیرند، تعاملات برقرار می‌شود و نام‌ها و شماره تلفن‌ها رد و بدل می‌شود. تالارهای گفتگوی نوجوانان برای دریافت توصیه‌های

1. Daly

2. Fuligni

3. diversification approach

مختلف، حمایت‌های اجتماعی و جستجو برای اطلاعات ایجاد می‌شوند و فرصت‌هایی را برای تعاملات اجتماعی فراهم می‌آورند. نوجوانان می‌توانند دوستانشان را به یکدیگر یا اعضای خانواده خود معرفی کنند و فرصت‌هایی را برای مبادلات اجتماعی با افراد جدید فراهم آورند.

مرزهای خانواده و اطلاعات

ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات به خانه‌ها تنش‌هایی را در ادراک از مرزهای خانواده، چه درونی و چه بیرونی، ایجاد می‌کند. از نظر درونی، فناوری اطلاعات و ارتباطات منجر به بازگشت بسیاری از فعالیت‌هایی به درون خانه می‌شود که با گسترش جامعه صنعتی پراکنده شده بودند (از جمله کار کردن، خرید کردن یا یادگیری). از آنجا که افراد به طور روزافزون در خانه‌هایشان کار می‌کنند، مرز بین خانواده و کار نامشخص مانده است. با وجود اینکه این امر زمان بیشتری برای با هم بودن، به خانواده می‌دهد، این خطر وجود دارد که فعالیت‌های کاری زمانی را که به خانواده اختصاص دارد، از آن خود کند. اینترنت و تلفن‌های همراه فرصتی برای ارتباط دائمی با کار، هنگامی که فرد در خانه است، و ارتباط با خانواده هنگامی که فرد سر کار است، فراهم می‌کنند. این ویژگی فناوریانه در کنار کمرنگ شدن مرزهای کار و خانواده فشار را بر روابط خانوادگی افزایش خواهد داد. مطالعه‌ای در استرالیا این موضوع را که کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات تا چه حد تعادل بین کار و زندگی خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مورد آزمون قرار داده است. بر اساس نتایج، استفاده از تلفن همراه، بر ادراک وارد شدن زندگی خانوادگی به محیط کار اثر می‌گذارد اما ادراک وارد شدن زندگی کاری به محیط خانه را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد (واجمن^۱ و همکاران، ۲۰۰۸).

یک تنش دیگر در ارتباط با مرزهای خانواده این است که استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات نوجوانان را در معرض مقادیر بیشتری از اطلاعات درباره هر موضوع، در هر زمان و در هر مکان قرار می‌دهد. این اطلاعات بسیار اهمیت دارد زیرا به تکالیف و کارهای مدرسه کمک می‌کند. اما یک نگرانی مهم والدین این است که نوجوانان امروزه

در معرض بسیاری از اطلاعات منفی نیز قرار دارند و این امر می‌تواند به چند دلیل اثراتی جدی داشته باشد. اولاً، نوجوانان از عمده‌ترین کاربران اینترنت، هم به منظور کسب اطلاعات و هم به منظور برقراری ارتباطات‌اند. ثانیاً، نوجوانی دورانی از رشد است که در آن شخصیت فرد شکل می‌گیرد. در شکل‌گیری این شخصیت، نوجوانان به دنبال پاسخ‌هایی برای مسائل وجودی هستند و در این جستجو ممکن است اطلاعات گمراه‌کننده یا اطلاعاتی که در تضاد با ارزش‌های خانواده است به دست آورند. ثالثاً، نوجوانی دوران گسترش دایره دوستان هم سن و سال و درگیر شدن در روابط اجتماعی است که ممکن است خطرهایی مانند آزار یا زورگیری آنلاین در پی داشته باشد.

یکی از نگرانی‌های عمده در خصوص افزایش دسترسی به اینترنت در خانه، قرار گرفتن نوجوانان در معرض مطالب جنسی است. سادگی دسترسی و فراوانی مطالب جنسی در اینترنت، نگرانی را نسبت به اثرات زیان بخش این گونه مطالب افزایش داده است. تصور بر این است که دسترسی کودکان و نوجوانان به هرزه‌نگاری از طریق اینترنت، ساده‌تر از روش‌های سنتی آن است (گرینفیلد^۱، ۲۰۰۴). هرزه‌نگاری^۲ عبارتی است که بیش از همه، در مورد مطالبی که آشکارا مسائل جنسی را نشان می‌دهند و هدف آنها تحریک جنسی مخاطبان است، به کار می‌رود. ادبیات موضوع نشان می‌دهد که قرار گرفتن بلندمدت و مکرر در معرض این گونه مطالب، دارای اثرات منفی گوناگونی است. اولاً، انگیزه‌های بی‌بندوباری جنسی را افزایش می‌دهد. ثانیاً، نوجوانانی که در معرض رفتارهای جنسی خارج از عرف فرهنگی هستند، ممکن است دیدگاهی تحریف شده نسبت به رابطه جنسی داشته باشند؛ دیدگاهی که ارتباطی با عشق، محبت و صمیمیت ندارد و به این ترتیب، تمایل داشته باشند بدون داشتن پیوندهای عاطفی رابطه جنسی برقرار کنند. یک فرض ضمنی دیگر این است که دسترسی گسترده به مطالب هرزه‌نگاری در اینترنت و از طریق تبلیغات، منجر به قرار گرفتن داوطلبانه در معرض این مطالب خواهد شد. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که افشای تصادفی در بین ۱۰ تا ۳۰ درصد از نوجوانان رخ داده است (ولاک^۳ و همکاران، ۲۰۰۳).

1. Greenfield

2. pornographic

3. Wolack

خطر دیگر، قرار گرفتن در معرض وب سایت‌های نفرت^۱ است که خشونت، جدایی، توهین، فریب، یا دشمنی در مقابل دیگران را بر اساس نژاد، مذهب، قومیت، جنسیت یا تمایلات جنسی تشویق می‌کند. وب ابزاری منحصر به فرد است که انتشار پیام‌های نفرت را به اشکال گوناگون، از کاریکاتور و طنز گرفته تا استفاده از داستان‌های کاذب تسهیل می‌کند. قرار گرفتن مکرر در معرض نفرت ممکن است منجر به شکل‌گیری کلیشه‌هایی در حمایت از نژادپرستی، کمبود همدلی با اقلیت‌ها، رفتارهای پرخاشگرانه و مشارکت در جرایم مبتنی بر نفرت شود.

یک نگرانی دیگر والدین این است که نوجوانانی که از اینترنت استفاده می‌کنند ممکن است با دادن اطلاعاتی درباره خود و خانواده‌هایشان، به بازاریاب‌ها اجازه دهند پروفایل‌های مبسوطی از زندگی خانواده تشکیل دهند. چنین تصوراتی چه درست و چه نادرست می‌تواند نحوه رفتار بازاریاب‌ها با اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار دهد؛ برای مثال، چه تخفیفی به آنها پیشنهاد دهد، چه چیزهایی را برایشان بفرستد، چقدر با آنها ارتباط برقرار کند و آیا اصلاً به سراغ آنها برود یا نه.

هنگامی که برخی از ویژگی‌های خاص اینترنت مد نظر باشد، نگرانی‌های خانواده‌ها بیشتر می‌شود. اینترنت به دلیل آنکه در تنهایی و جدا از دیگران استفاده می‌شود، به عنوان عاملی مؤثر بر رفتارهای انحرافی تصویر شده است. بر خلاف سایر رسانه‌ها که در کنار دیگران از آنها استفاده می‌کنیم. گمنامی نسبی می‌تواند فعالیت‌هایی را که فرد هنگامی که در یک گروه قرار دارد از انجام آنها پرهیز می‌کند، افزایش دهد زیرا در یک گروه، افراد رفتارهایی را انجام می‌دهند که از نظر فرهنگی پذیرفته شده باشد (پاردوم^۲ و همکاران، ۲۰۰۵). جدول ۱ را ببینید.

جدول ۱- خلاصه اثرات اینترنت بر مرزهای خانواده

<p>کم‌رنگ شدن مرز بین کار و زندگی خانوادگی. کار مانع از فعالیت‌های خانوادگی همچون غذا خوردن با یکدیگر، صحبت و بازی کردن می‌شود. زندگی خانوادگی مانع از انجام کار می‌شود.</p>	<p>کم شدن کنترل والدین بر دسترسی اعضای خانواده به اطلاعات و دسترسی سازمان‌های خارجی به اطلاعات خانواده</p>	<p>کم‌رنگ کردن مرزهای خارجی خانواده</p>
<p>جابه‌جایی زمان اختصاص یافته به فعالیت‌های خانوادگی با فعالیت‌های فردی اینترنتی</p>		
<p>دسترسی نوجوانان به اطلاعات اینترنتی از جمله مطالب خشونت‌آمیز، نفرت و هرزه‌نگاری</p>		
<p>فراهم شدن اطلاعات درباره الگوهای مصرف خانوار برای سایت‌های تبلیغاتی</p>		

در مجموع، جستجوی اینترنتی برای اطلاعات، از آنجا که منجر به قرار گرفتن نوجوانان در معرض مطالب بسیار گوناگونی می‌شود، چالشی را برای مرزهای خانواده ایجاد می‌کند. بیشتر این مطالب مهم هستند، از جمله برای کمک به درس یا جستجو برای پاسخ پرسش‌های فلسفی. با این حال قرار داشتن روزافزون نوجوانان در معرض مطالب گوناگون می‌تواند مرزهای خانواده را سست کند و در آن ایجاد تنش نماید. خانواده‌ها با این تنش‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند و تلاش دارند خود را با چالش‌های جدیدی که دسترسی اینترنت فراهم کرده است تطبیق دهند. در بخش‌های بعدی این مقاله، راهبردهای به کار رفته از سوی خانواده‌ها را برای اعمال کنترل بر مرزهای خانواده و محدود کردن دسترسی نوجوانان به اطلاعات ناخواسته ارائه خواهیم کرد.

اینترنت و زمان اختصاص یافته به خانواده

انسجام خانواده^۱ به عنوان «پیوندی عاطفی که اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند» تعریف می‌شود. این انسجام به معنای تعامل مثبت والدین با فرزندان است که در فعالیت‌های مشترک، رفتارهای حمایتگرانه و مهر و محبت بازتاب می‌یابد. مزایای انسجام خانوادگی برای رفتارها و رشد نوجوانان در علوم اجتماعی تأیید شده است. نوجوانانی که با والدینشان احساس نزدیکی می‌کنند، در مدرسه موفق‌تر هستند، دوره‌های مدرسه‌گریزی و ترک تحصیل کمتری دارند و کمتر پیش می‌آید که به دنبال درمان دارویی برای مشکلات عاطفی یا رفتاری باشند (آماتو^۲ و ریورا^۳، ۱۹۹۹).

زمان اختصاص یافته به خانواده، عامل مؤثری در انسجام خانواده و همچنین ساختن و تداوم مرزهای خانواده است. اگر خانواده‌ها را به عنوان نهادهایی اجتماعی در نظر بگیریم که هویتی جمعی دارند، این هویت، نتیجه یادآوری با هم بودن‌هایی است که در نتیجه زمانی که اعضای خانواده با هم در غذا خوردن، بازی کردن و صحبت کردن سپری می‌کنند، ایجاد می‌شود (دالی، ۱۹۹۶). در جوامع غربی، بسیاری از خانواده‌ها با مفهوم زمان اختصاص یافته به خانواده درگیر هستند. در یک خانواده دو شغلی که مرزهای کار و خانواده در آن کمرنگ شده است، زمان اختصاص یافته به خانواده، گاهی به اشتراک گذاشتن فضا و زمانی است که از فصل مشترک افراد پرمشغله ایجاد می‌شود.

هر چند ایده زمان خصوصی خانوادگی همچنان به عنوان یک ایده‌آل فرهنگی وجود دارد، عوامل بسیار زیادی عملی شدن این هدف را دچار مشکل می‌کنند. با ازدیاد فناوری در خانه به نظر می‌رسد که کم شدن کنترل والدین بر دسترسی اعضای خانواده به اطلاعات در محل تقاطع دو جاده مختلف قرار دارد: نخست اینکه برای آنها فرصت‌های زیادی برای فعالیت‌های مشترک در خانه ایجاد می‌کند و دیگر آنکه به سادگی آنها را به دنیای مجرد فناوری که توجه شخصی آنها را می‌طلبد، رهنمون می‌سازد (دالی، ۱۹۹۶). مطالعات نشان داده است زمانی را که اعضای خانواده در فعالیت‌هایی چون تفریح با یکدیگر سپری می‌کنند، با انسجام خانوادگی ارتباط مثبت دارد. یک مطالعه بزرگ مقیاس در ایالات متحده درباره استفاده از اینترنت در

1. family cohesion

2. Amato

3. Rivera

خانواده‌های دارای فرزند نوجوان نشان داده است که اعضای همه خانواده‌ها به طور آشکار ابراز کرده‌اند که چقدر برای وقت گذراندن با یکدیگر ارزش قایل می‌شوند. بسیاری از خانواده‌ها زمانی را برای دیدن برنامه‌های تلویزیونی یا فیلم‌های سینمایی و ویدئویی با یکدیگر تنظیم می‌کنند. این به معنای آن است که والدین و نوجوانان استفاده مشترک از رسانه‌ها را تسهیل‌کننده روابط و پیوندهایشان می‌دانند. فعالیت‌های مشترک به عنوان نیروهایی برای تصریح و قدرت بخشیدن به مرزهای خانواده شناخته شده‌اند زیرا فرصت‌هایی برای تعامل، ارتباط و خاطراتی ایجاد می‌کنند که به هویت و یگانگی خانواده فرد مرتبط است (هوفرث^۱ و سندبرگ^۲، ۲۰۰۱).

تبین دیگر فرضیه جانشینی زمان^۳ است، زیرا استفاده از اینترنت اثر منفی بر زمان اختصاص یافته به خانواده می‌گذارد. علت اصلی این است که زمان اختصاص داده شده به یک فعالیت را نمی‌توان به فعالیت دیگر داد. استفاده از اینترنت یک فعالیت زمان بر است و به این ترتیب، در خانواده‌هایی که زیاد از اینترنت استفاده می‌کنند، می‌تواند با زمان اختصاص یافته به خانواده رابطه منفی و با تعارضات رابطه مثبت داشته باشد. در واقع والدین و نوجوانان نگران این نکته بوده‌اند که استفاده از اینترنت ممکن است اثر منفی بر ارتباطات و نزدیکی خانوادگی آنها داشته باشد (جکسون^۴ و همکاران، ۲۰۰۳). این نگرانی کمتر تأیید شده است، بویژه در مطالعاتی که در مراحل اولیه گسترش فناوری در خانه انجام شده‌اند. مطالعه‌ای که بر اساس یادداشت‌های روزانه زمان اختصاص یافته به خانواده قرار داشت، نشان داده است که استفاده از اینترنت در خانه با زمان اختصاص یافته به خانواده رابطه عکس دارد. علاوه بر این، کاهش زمان اختصاص یافته به خانواده برای کاربران اینترنت بیشتر از تماشاگران تلویزیون بوده است. ادراک اینکه میزان استفاده روزانه از اینترنت ممکن است بر زمان اختصاص یافته به خانواده اثر بگذارد هم از سوی والدین و هم از سوی نوجوانان بیان شده است. یک مطالعه در ایالات متحده بر روی نمونه‌ای از نوجوانان و والدین نشان داد که ۲۹ درصد والدین بر این باورند زمانی که صرف فعالیت‌های آنلاین می‌شود، در زمان اختصاص

1. Hofferth

2. Sandberg

3. time displacement

4. Jackson

یافته به خانواده ایجاد اختلال می‌کند در حالی که تنها ۱۶ درصد نوجوانان چنین باوری داشته‌اند (راسن^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). مطالعه دیگری بر روی نمونه بزرگی از نوجوانان نشان داده است که استفاده از اینترنت به بهبود روابط آنها با والدینشان کمکی نمی‌کند و زمانی را که می‌توانند با خانواده بگذرانند، از بین می‌برد.

با این حال، پیش از نتیجه‌گیری باید به خاطر داشته باشیم همچنان که فرزندان بزرگ‌تر می‌شوند زمانی که با والدین سپری می‌کنند، کاهش می‌یابد. این امر، نتیجه رشد اجتماعی است: هر چه نوجوانان بزرگ‌تر باشند تمایل بیشتری به گذراندن وقت با همسالانشان دارند. بنابراین، مطالعات باید سن نوجوانان را نیز در نظر بگیرند.

مطالعات در عین حال که رابطه بین کاربری اینترنت و کاهش زمان اختصاص یافته به خانواده را نشان می‌دهند، اینترنت را به عنوان نوعی فناوری انسجام‌بخش نیز در نظر می‌گیرند. نوجوانان در میزان استفاده از اینترنت برای برقراری ارتباط، جستجوی اطلاعات و سرگرمی با یکدیگر تفاوت دارند و کاربری‌های مختلف احتمالاً اثرات متفاوتی بر زمان اختصاص یافته به خانواده دارند. بر اساس مطالعه‌ای که به تازگی درباره انواع مختلف کاربری‌های اینترنت از سوی نوجوانان و زمان اختصاص یافته به خانواده صورت گرفته، استفاده از اینترنت، زمانی را که نوجوانان با خانواده‌هایشان سپری می‌کنند کاهش می‌دهد. نکته قابل توجه این است که فعالیت‌های مختلف اثرات مختلفی داشته‌اند. پرداختن به بازی‌های آنلاین هم کل زمان سپری شده با خانواده و هم زمان اختصاص یافته به ارتباط با اعضای خانواده را کاهش می‌دهد. اما استفاده از اینترنت برای برقراری ارتباط با دوستان کاهش کمی در زمان اختصاص یافته به خانواده ایجاد می‌کند. به همین ترتیب، به کار بردن اینترنت به منظور کارهای درسی، زمان اختصاص یافته به خانواده را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد (لی^۲ و چای^۳، ۲۰۰۷).

با وجود شواهد مبنی بر تأثیر منفی استفاده از اینترنت از سوی نوجوانان بر زمان اختصاص یافته به خانواده، تصویر کلی دارای اثرات پیچیده‌تر نسلی است. در مراحل ابتدایی خانگی شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات، والدین و فرزندان با نوعی جدایی نسلی روبه‌رو شده بودند. شکافی در مهارت‌های فناوریانه ایجاد شده بود و فرزندان

مهارت‌های بیشتری نسبت به والدین‌شان داشتند. امروزه تعداد بسیار بیشتری از والدین جوان مهارت‌های لازم را برای استفاده از اینترنت دارند. این روند در تعدادی از مطالعات که نشان می‌دهند اینترنت به جای جدا کردن فرزندان از والدین تبدیل به یکی از فعالیت‌های مشترک داخل خانه شده است، منعکس می‌شود (بنیاد خانوادگی کیسلر، ۲۰۰۳). با این حال مطالعه دیگری نشان می‌دهد که میزان به اشتراک گذاشتن فعالیت‌های زمان بر رسانه‌ای بستگی به تحصیلات و مهارت‌های رایانه‌ای والدین دارد. والدینی که تحصیلات و مهارت‌های رایانه‌ای کمتری دارند به احتمال بیشتری اینترنت را به چشم نیرویی که آنها را از فرزندانشان جدا می‌کند، می‌بینند (هورست، ۲۰۰۸).

در مجموع، بیشتر شواهد عملی در مورد رابطه اینترنت با زمان اختصاص یافته به خانواده نشان می‌دهد، اینترنت زمانی را که والدین و فرزندان با یکدیگر سپری می‌کنند، کاهش می‌دهد (روسن و همکاران، ۲۰۰۸). این نتایج حتی با در نظر گرفتن سن نوجوانان نیز برقرار است و نشان می‌دهد که اینترنت بر زمان اختصاص یافته به خانواده اثر می‌گذارد. مطالعات اخیر حاکی از آن است که استفاده از اینترنت از سوی نوجوانان به منظور پرداختن به فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی، اثر بیشتری نسبت به کاربری‌های تحصیلی دارد (لی و چای، ۲۰۰۷).

فناوری اطلاعات و ارتباطات و تعارض والد - نوجوان

زمان اختصاص یافته به خانواده با تعارضات خانوادگی رابطه منفی دارد. مطالعات مقطعی و طولی نشان می‌دهد که سطوح پایین زمان اختصاص یافته به خانواده با سطوح بالاتر تعارض ارتباط دارد (دوباس^۱ و گریس^۲، ۲۰۰۲). بدیهی است خانواده‌هایی که وقت‌شان را به فعالیت‌های مشترک می‌گذرانند از کیفیت بهتری در روابطشان برخوردارند که به آنها کمک می‌کند اختلاف نظرهایشان را پیش از آنکه به تعارض تبدیل شود، حل کنند.

در برخی موارد، این نگرانی وجود دارد که دسترسی به اینترنت در خانه الگوهای تعامل بین والدین و فرزندان را تحت تأثیر قرار دهد و با افزایش تعارضات بین نسلی

1. Dubas

2. Gerris

انسجام خانوادگی را تضعیف کند. خانواده‌ها نظام‌هایی اجتماعی هستند که از طریق سلسله مراتب قدرت شکل می‌گیرند. ورود رایانه می‌تواند این سلسله مراتب را تغییر دهد زیرا نوجوان در خانواده تبدیل به متخصص می‌شود و سایر اعضا باید از او راهنمایی‌های فنی بگیرند (وات و وایت، ۱۹۹۴). در این شرایط نوجوان منابعش را نسبت به والدین افزایش می‌دهد و توانایی‌اش برای چیره شدن بر فضا بیشتر می‌شود. مطالعه‌ای که در خصوص جستجوی کمک در رابطه با رایانه در میان ۹۳ خانواده امریکایی نشان داده است که نوجوانان بیشتر از سایر اعضای خانواده تمایل به کمک کردن به دیگران دارند. نوجوانان تبدیل به کارشناس شده‌اند و وقتی که والدین در این زمینه نیاز به کمک داشته باشند، باید به اطلاعات و توصیه‌های آنان تکیه کنند (کیسلر^۱ و همکاران، ۲۰۰۰). به همین ترتیب در انگلستان روابط سنتی والدین و فرزندان در بسیاری از خانواده‌ها تغییر کرده است زیرا فرزندان بیشتر از والدین‌شان از نظر فنی مهارت دارند. بنابراین، فرزندان بهتر از سایر اعضای خانواده می‌توانند معنا و کاربردهای رایانه در خانه را تعریف کنند (ساترلند^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). به نظر می‌رسد والدین به جای اینکه در طول زمان مهارت‌های خود را افزایش دهند و قدرت خود را برای کنترل فناوری بیشتر کنند به مبارزه با این شرایط می‌پردازند. مطالعه گسترده‌ای که به تازگی بر روی نوجوانان صورت گرفته نشان داده است که اینترنت در بسیاری از خانه‌ها برای بچه‌های مدرسه‌ای تبدیل به نوعی کار شده است زیرا والدین کارهای اینترنتی خود را به آنها محول می‌کنند. در این مطالعه ۳۸ درصد نوجوانان به والدین‌شان برای فرستادن عکس و ایمیل به فامیل کمک می‌کردند و ۳۶ درصد در جستجوی اطلاعات به والدین یاری می‌رساندند.

با در نظر گرفتن دلایل، تقریباً نیمی از نوجوانان (۴۷ درصد) گفته‌اند که کارهای اینترنتی خانه را انجام می‌دهند زیرا والدین‌شان مهارت‌های آنلاین ندارند؛ ۲۹ درصد نیز گفته‌اند که چون والدین‌شان وقت ندارند این کار بر عهده آنهاست.

نوجوانی دورانی است که خانواده‌ها باید روابطشان را تعدیل کنند تا با نوجوان در حال بلوغ تطبیق یابند. بسیاری از تعاملات این دوره تحت تأثیر مقرراتی است که والدین برای زندگی روزمره نوجوانان مقرر می‌کنند، از جمله ساعات خاموشی، روابط دوستی

و برخی فعالیت‌های شخصی مانند استفاده از تلفن و تلویزیون (کالینز و راسل، ۱۹۹۱). مطالعه بر روی نوجوانان نشان می‌دهد که هر چه سن‌شان بیشتر می‌شود، کمتر در برابر نفوذ والدین در زندگی شخصی خود تسلیم می‌شوند و بیشتر و بیشتر به دنبال خودمختاری هستند و آمادگی زیادی برای مخالفت آشکار با والدین نشان می‌دهند. والدین سعی دارند استفاده از اینترنت را با تعیین قوانینی درباره زمان و وب سایت‌های مجاز کنترل کنند. تعامل و تحمیل قوانین، به نظر ناسازگار می‌رسند. شواهدی تجربی وجود دارد که نشان می‌دهد والدین و نوجوانان ادراک متفاوتی از قوانین دارند. یک مطالعه بلندمدت بر روی خانواده‌ها و رسانه‌ها نشان داده است در حالی که والدین می‌توانستند قوانین را روشن کنند، فرزندان فراموش می‌کردند آنها را نام ببرند و یا می‌گفتند والدین‌شان قوانین را تذکر داده‌اند اما باب گفتگو درباره این قوانین باز است. صحبت‌های والدین درباره قوانین بیشتر تمایل آنها را نشان می‌دهد تا مسائل واقعی را (هورست، ۲۰۰۸). مطالعه‌ای بر روی ۱۱۲۴ نوجوان و والدین‌شان در سنگاپور، ناهمخوانی بین گزارش‌های نوجوانان و والدین را نشان داده است. برای مثال، والدین بیش از نوجوانان اظهار داشته‌اند که هنگام کار در اینترنت آنان را همراهی کرده‌اند؛ والدین تمایل دارند کنترل و بازرسی خودشان را بیش از واقعیت گزارش دهند (لیائو^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). الگوی ارتباطی موجود در خانواده می‌تواند تبیینی برای شکاف‌های بین ادراک از قوانین استفاده از اینترنت باشد. در خانواده‌هایی که والدین و نوجوانان روابطشان را باز، همدلانه، مشوق و سرشار از اعتماد توصیف کرده‌اند گزارش آنها درباره قوانین خانواده در مورد استفاده از رسانه‌ها ثابت بوده است.

در دوران نوجوانی انتظارات والدین و فرزندان از یکدیگر تغییر می‌کند و شکاف بین این انتظارات می‌تواند منجر به ایجاد تعارضات خانوادگی شود. فرزندان ممکن است انتظار آزادی بیشتر داشته باشند و والدین ممکن است از آنان بخواهند رفتارهایشان را به گونه‌ای تنظیم کنند که فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی مشکلی برای درس‌شان ایجاد نکند. والدین می‌دانند که رایانه می‌تواند به عنوان ابزاری برای بهبود امور تحصیلی به کار رود. برای مثال، برنامه‌های پردازش کلمات (مانند ورد) که املاي لغات را تصحیح می‌کند و حاوی فرهنگ لغت هستند، می‌توانند به بهبود توانایی‌های

زبانی کمک کنند. پژوهشی در این زمینه نشان داده است که والدین منابع جدید تحصیلی را که اینترنت برای فرزندان‌شان فراهم آورده است، تحسین می‌کنند اما با این حال نگران افت استانداردها (خواندن مقالات کوتاه به جای کتاب) و قابل اعتماد بودن اطلاعات آنلاین هستند (سوبرامانیام^۱ و همکاران، ۲۰۰۸) همچنین بیم آن را دارند که اینترنت فرزندان‌شان را از پرداختن به فعالیت‌های دیگر بازدارد.

مطالعات انجام شده بر روی تعاملات خانوادگی درباره رسانه‌ها نشان می‌دهد که والدین از نوجوانان انتظار دارند خودشان وقت استفاده از اینترنت را تنظیم کنند و سعی دارند آن را به گونه‌ای محدود سازند که با درس و فعالیت‌های اجتماعی‌شان تداخلی نداشته باشد. والدین ممکن است استفاده مکرر از اینترنت را نوعی تخلف از انتظاراتشان تلقی کنند و این می‌تواند منشأ تعارضات بین نسلی شود.

ورود رایانه به خانه‌ها این قابلیت را دارد که در زمینه قدرت و خودمختاری موجب تعارضات جدیدی شود. نگرانی والدین ممکن است آنان را وادار سازد که قوانینی را در خصوص میزان استفاده از اینترنت ایجاد کنند اما نوجوانان این قوانین را دخالت در امور شخصی و تلاش برای کاهش خودمختاری‌شان می‌دانند. استفاده از رایانه مستلزم دانش و مهارت است و کودکان بیش از والدین‌شان این مهارت را دارا هستند. هنگامی که نوجوان تبدیل به فردی می‌شود که دیگران برای گرفتن راهنمایی به او مراجعه می‌کنند، تعادل قدرت در خانواده دستخوش تغییر می‌شود. مطالعات نشان داده است که در این موارد، نوجوانان رایانه را انحصاری و استفاده سایر اعضای خانواده را محدود می‌کنند (وات و وایت، ۱۹۹۴؛ کیسلر و همکاران، ۲۰۰۰).

یک منشأ دیگر تعارض، ایجاد شکاف بین انتظارات والدین و نوجوانان است. به نظر می‌رسد که والدین اینترنت را موضوع مثبتی در زندگی فرزندان می‌بینند؛ چنان که مطالعات صورت گرفته در کشورهای مختلف نشان می‌دهد؛ دلیل اصلی خریدن رایانه و اتصال به اینترنت برای خانواده‌ها مسائل تحصیلی است. بسیاری از والدین بر این باورند که اینترنت می‌تواند به امور درسی فرزندان‌شان کمک کند و موجب شود مطالب مهمی یاد بگیرند (لیوینگستون و بوپر، ۲۰۰۴). اما همه نوجوانان اینترنت را به این منظور به کار نمی‌برند؛ هر چند برخی از نوجوانان قسمت عمده وقت خود را در

اینترنت برای جستجوی اطلاعات و انجام کارهای درسی صرف می‌کنند، دیگران بیشتر این وقت را به کارهای اجتماعی (ایمیل، پیام فوری و چت) و سرگرمی (انجام بازی‌های آنلاین) اختصاص می‌دهند (لیوینگستون و بوبر، ۲۰۰۴؛ لنهاوت و همکاران، ۲۰۰۵). می‌توان تصور کرد که وقتی نوجوانان برای امور اجتماعی و سرگرمی از اینترنت استفاده می‌کنند، این امر با انتظارات والدین ایجاد تعارض می‌کند. برعکس، استفاده از اینترنت برای یادگیری و امور تحصیلی، با تعارضات خانوادگی رابطه منفی دارد. والدین نگران هستند که فعالیت‌های اینترنتی مانع از کارهای درسی فرزندان‌شان شود. بنابراین، زمان بازی و وارد شدن به وبسایت شبکه‌های اجتماعی را قبل از انجام تکالیف مدرسه محدود می‌کنند (هورست، ۲۰۰۸).

رقابت بر سر منابع محدود و مکان قرار گرفتن رایانه، دلیل دیگری برای تعارضات والدین و فرزندان شناخته شده است. در بیشتر خانه‌ها، تنها یک رایانه وجود دارد و والدین و فرزندان بر سر مکان قرار دادن و زمان استفاده از آن با هم رقابت می‌کنند. مکان قرار گرفتن رایانه به دلیل اینکه نشان‌دهنده ساختار قدرت خانواده و نحوه شکل‌گیری روابط است، اهمیت زیادی دارد. این موضوع در برخورد با نوجوانان از چند جنبه قابل توجه است. اولاً، موضوعی برای کسب خودمختاری است: با بیشتر شدن سن نوجوانان، آنان به دنبال کمتر شدن کنترل والدین هستند. ثانیاً، هنگامی که نوجوان تبدیل به کارشناس رایانه در خانه می‌شود، ساختار قدرت تغییر می‌کند. در نهایت، محل قرار گرفتن رایانه به دلیل اینکه بر میزان و نحوه استفاده نوجوان از اینترنت تأثیر می‌گذارد، برای او اهمیت دارد.

اطلاعات به دست آمده از مطالعات مختلف نشان می‌دهد که رایانه عموماً در فضاهای باز و عمومی منزل همانند اتاق نشیمن قرار دارد. مطالعه‌ای در سال ۲۰۰۴، اطلاعاتی را درباره دسترسی کودکان و نوجوانان انگلیسی به اینترنت جمع‌آوری کرده است. نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۵۱۱ کودک و نوجوان ۹ تا ۱۹ ساله و والدین‌شان بوده است. نتیجه پژوهش نشان داده است که در ۶۳ درصد موارد، تلویزیون در اتاق فرزندان و در ۳۷ درصد در فضاهای عمومی قرار داشته است؛ رایانه نیز در ۷۴ درصد موارد در فضاهای عمومی قرار داشته است (لیوینگستون و بوبر، ۲۰۰۴). در ایالات متحده نیز مطالعات انجام

شده از طریق پو اینترنت^۱ و امریکن لایف^۲ به نتایج مشابهی دست یافتند که نشان می‌داد در پایان سال ۲۰۰۶، ۷۴ درصد نوجوانان بیان کرده‌اند که رایانه در فضاهای عمومی مانند اتاق نشیمن قرار دارد و فقط در ۲۵ درصد موارد در اتاق خواب فرزندان است. محل قرار گرفتن رایانه بسته به سن نوجوانان متفاوت است: هر چه سن نوجوان بیشتر باشد احتمال اینکه رایانه در اتاق او باشد، بیشتر است. مطالعه‌ای که بر روی زندگی رسانه‌ای فرزندان بین ۸ تا ۱۸ سال در ایالات متحده انجام شده، نشان می‌دهد تنها ۲۳ درصد کودکان ۸ تا ۱۰ سال در اتاق‌شان رایانه دارند؛ این درصد برای گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال به ۳۷ درصد می‌رسد (ریدوت^۳ و همکاران، ۲۰۰۵).

جدول ۲- خلاصه اثرات اینترنت بر مرزهای خانواده

<p>نوجوانان تبدیل به کارشناسان فناوری می‌شوند و زمان استفاده از رایانه و مکان آن را تعیین می‌کنند.</p>	<p>تأثیر بر انتظارات والدین و فرزندان و سلسله مراتب در خانواده</p>	<p>مرزهای داخلی</p>
<p>والدین قوانینی برای استفاده از رسانه‌ها وضع می‌کنند و نوجوانان تمایل دارند این قوانین را بشکنند.</p>		
<p>والدین از فرزندان انتظار دارند عملکرد تحصیلی‌شان را بهبود دهند و نوجوانان از رایانه برای کارهای اجتماعی استفاده می‌کنند.</p>		
<p>والدین انتظار دارند نوجوانان وقتشان را به درستی تنظیم کنند و نوجوانان انتظار خودمختاری بیشتر در استفاده از اینترنت دارند.</p>		

اینترنت و سازگاری خانواده

همان گونه که گفته شد، ورود اینترنت به خانه‌ها حوزه‌های مختلف کارکرد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خانواده در معرض حجم وسیعی از اطلاعات قرار می‌گیرد (هم مثبت و هم منفی) که در داخل و خارج از خانه به گردش درمی‌آید. نوجوانان با آشنایان جدید روبه‌رو می‌شوند و کنترل والدین بر دوستان آنها کاهش می‌یابد. حتی ممکن است زمان اختصاص یافته به خانواده و انسجام خانوادگی کاهش یابد. خانواده نیز به عنوان یک نظام تلاش می‌کند تا خود را با فناوری وفق دهد. یک روش برای تطبیق یافتن، استفاده از اینترنت به عنوان یک فعالیت مشترک و یک کانال ارتباطی است. آیا اینترنت به عنوان یک فعالیت مشترک خانوادگی که طی آن والدین و فرزندان با هم از این فناوری استفاده می‌کنند، به کار می‌رود؟ مطالعه‌ای که در حومه شهر تورنتو انجام شده به بررسی این مسئله پرداخته است که اینترنت تا چه حد به طور مشترک از جانب همسران و فرزندان مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاربران فعال ۲/۸ ساعت و کاربران غیرفعال ۱/۲ ساعت را همراه با همسرشان از اینترنت استفاده کرده‌اند. نتایج استفاده از اینترنت به همراه فرزندان نیز مشابه است؛ کسانی که بیش از ۸ ساعت در هفته از اینترنت استفاده کرده‌اند، به طور متوسط ۳/۲ ساعت از این وقت را با فرزندانشان گذرانده‌اند (کندی^۱ و همکاران، ۲۰۰۸).

میانجی‌گری والدین

از زمان آغاز مطالعه بر روی تماشای تلویزیون کودکان، پژوهشگران راه‌هایی را بررسی کرده‌اند که در آن اثرات منفی بالقوه رسانه می‌تواند کاهش یابد. رویکرد مهمی که باید مورد بررسی قرار گیرد این است که چگونه خانواده این اثرات بد بالقوه را قانونگذاری و میانجی‌گری می‌کند. میانجی‌گری والدین^۲ به برخی از تلاش‌های والدین در این زمینه اطلاق می‌شود:

- توضیح محتوای رسانه و راهنمایی کودکان و نوجوانان در تفسیر محتوای آن و ارتباط آن با دنیای واقعی.
- کاهش دسترسی و پیشگیری از قرار گرفتن نوجوانان در معرض محتوای ناخواسته و کاهش تداخل استفاده از رسانه‌ها با فعالیت‌های آموزشی، فوق برنامه یا خانوادگی.

1. Kennedy

2. parental mediation

میانجی‌گری والدین مفهومی است که در ارتباط با قرار گرفتن کودکان و نوجوانان در معرض برنامه‌های تلویزیون به صورت گسترده مطالعه شده است. بایبی^۱ و همکاران (۱۹۸۲) میانجی‌گری رسانه از طریق والدین را مورد مطالعه قرار دادند و سه بعد آن را شناسایی کردند: مشاهده مشترک اجتماعی^۲، میانجی‌گری محدودکننده و میانجی‌گری راهبردی و غیرراهبردی.

مشاهده مشترک اجتماعی

مشاهده مشترک به موقعیت‌هایی اشاره دارد که والدین و کودکان با یکدیگر از محتوای رسانه استفاده می‌کنند و تجربیاتشان را با هم به اشتراک می‌گذارند (والکنبرگ^۳ و همکاران، ۱۹۹۹). مشاهده مشترک هنگامی که والدین و کودکان در یک اتاق و در سکوت نشسته‌اند، به صفحه نمایش خیره شده‌اند و با یکدیگر در مورد محتوای رسانه به بحث می‌پردازند، می‌تواند فعالیتی تعاملی در نظر گرفته شود. از طریق مشاهده مشترک، والدین می‌توانند محتوایی را که نوجوانان در معرض آن هستند، کنترل کنند و اگر مطالب نامناسبی مشاهده کردند، مداخله کنند. به این ترتیب، مشاهده مشترک به والدین این اجازه را می‌دهد که در صورت تمایل، در مورد مطالب زننده بحث کنند. در مورد اینترنت، مشاهده مشترک فعال می‌تواند به عنوان میزانی که جوانان و والدین با هم از اینترنت استفاده می‌کنند و آن را برای فعالیت‌های مشترک از جمله بازی‌های آنلاین، جستجوی اطلاعات و برنامه‌ریزی اوقات فراغت به کار می‌برند، تعریف شود. در حالتی که تا حدی متفاوت است، این مفهوم اختلافات خانواده را که از ناحیه رایانه برمی‌خیزد، توصیف می‌کند. می‌توان تصور کرد هنگامی که رایانه در فضای عمومی خانه قرار گیرد، والدین کنترل بیشتری بر استفاده جوانان از آن خواهند داشت (لیوینگستون^۴، ۲۰۰۷).

میانجی‌گری محدودکننده

میانجی‌گری محدودکننده عبارت است از تدوین قوانینی برای استفاده جوانان از رسانه. خانواده‌ها برای زمان یا چگونگی استفاده از رایانه به لحاظ محتوا، قوانینی وضع می‌کنند تا

1. Bybee

2. Social co-viewing

3. Valkenburg

4. Livingstone

از این طریق بر آنچه تماشا می‌شود، اعمال کنترل کنند. استفاده از قوانین برای کنترل مشاهدات که به عنوان میانجی‌گری محدودکننده شناخته شده است، می‌تواند اثرات مهمی بر کودکان داشته باشد. یک مشکل در مواجهه با قوانین، میزان توافق بر سر وجود آنهاست. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که معیارهای میانجی‌گری محدودکننده از سوی والدین، به دلیل آنکه والدین و فرزندان گزارش‌های متناقضی در مورد قوانین رایانه و اینترنت ارائه می‌دهند، چندان قابل اعتماد نیستند (لیوینگستون، ۲۰۰۷). والدین به نسبت کودکان خود تمایل بیشتری بر گزارش وجود این قوانین دارند؛ پاسخ‌های آنان به احتمال فراوان اثرات مطلوبیت اجتماعی را بازتاب می‌دهد. در مورد خاص اینترنت، دو نوع از میانجی‌گری محدودکننده مورد استفاده قرار گرفت. نخست، تحمیل قوانینی برای محدودسازی زمان و نوع وبسایت‌هایی که والدین اجازه می‌دهند و دیگری نصب قطعات یا نرم‌افزارهایی در رایانه که یا صفحاتی را که می‌توانند در دسترس باشند، محدود سازند و یا صفحات بازدید شده از سوی کودکان را به اطلاع والدین برسانند.

میانجی‌گری راهبردی و غیرراهبردی

میانجی‌گری راهبردی و غیرراهبردی^۱ به معنای قضاوت عمدی در مورد محتوای رسانه (راهبردی) یا نظرات گذرا در مورد رسانه به طور کلی است (غیرراهبردی) (لی و چای، ۲۰۰۷). در این مورد والدین در مورد انواع وبسایت‌ها با کودکان بحث می‌کنند، تکنیک‌هایی را برای ارزیابی قابلیت اطمینان اطلاعات ارائه شده از طریق وب سایت به آنها نشان می‌دهند همچنین در مورد فرایند خلق اطلاعات و ارتباط محتوای آن با دنیای واقعی صحبت می‌کنند و به صورت فعالانه در استفاده کودکان‌شان از اینترنت درگیرند.

مطالعات اخیر شواهدی را درباره میزان میانجی‌گری والدین برای قانونگذاری در مورد قرار گرفتن کودکان و جوانان در معرض اینترنت نشان می‌دهند. با در نظر گرفتن مشاهده مشترک، برخی شواهد عملی نشان می‌دهد که این تکنیک، شیوه‌ای مؤثر است. با مطالعه درباره دوره نوجوانی در کره این نتیجه به دست آمده است که توصیه وبسایت‌ها از سوی والدین و مشاهده مشترک با فعالیت‌های آموزشی آنلاین رابطه مثبت دارد. به عبارت دیگر، هر چه والدین توصیه‌های بیشتری درباره وبسایت‌ها به

1. strategic and non strategic mediation

فرزندان‌شان داشته باشند و هر چه بیشتر با هم و به طور مشترک از اینترنت استفاده کنند، فرزندان نیز بیشتر از اینترنت به منظور اهداف تحصیلی و انجام تکالیف و بازی‌های آموزشی استفاده می‌کنند (لی و چای، ۲۰۰۷). یکی از مطالعات صورت گرفته اخیر بر روی نوجوانانی که در وبسایت‌های شبکه‌های اجتماعی دارای پروفایل بوده‌اند، نشان می‌دهد که میانجی‌گری والدین، رفتارهای اینترنتی نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نوجوانانی که والدین‌شان محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های آنلاین‌شان وضع می‌کنند و آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند اطلاعات‌شان را کمتر فاش می‌کنند (روزن، ۲۰۰۷).

این تصور وجود دارد که میانجی‌گری والدین در طول زمان شدت یافته است. مطالعه‌ای بر روی نوجوانان و والدین‌شان در امریکا نشان داده است که بیشتر والدین محدودیت‌های زمانی برای فعالیت اینترنتی فرزندان‌شان وضع می‌کنند. در حالی که در سال ۲۰۰۰ تنها ۴۱ درصد والدین بر روی رایانه خانگی نرم‌افزارهای فیلترکننده نصب می‌کردند، در سال ۲۰۰۵ این رقم به ۵۴ درصد رسیده است. در هر دو سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ نیز درصدی مساوی از والدین (۶۲ درصد) گزارش داده‌اند که وبسایت‌هایی را که فرزندان از آنها بازدید می‌کنند تحت نظر دارند. در سال ۲۰۰۶، ۶۹ درصد از والدین، قوانینی را برای زمان اختصاص یافته به فعالیت‌های آنلاین، ۸۵ درصد قوانینی را برای آن دسته از اطلاعات شخصی که فرزندان می‌توانند به اشتراک بگذارند و ۸۵ درصد، قوانینی را برای انواع وبسایت‌هایی که فرزندان می‌توانند از آنها بازدید کنند، وضع کرده بودند (لنهارت و همکاران، ۲۰۰۷). از یکی از مطالعات صورت گرفته در کانادا نیز یافته‌های مشابهی به دست آمده است. با مقایسه داده‌های سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵، این نتیجه به دست آمده است که در سال ۲۰۰۵ درصد والدینی که برای فرزندان قوانینی وضع کرده‌اند، در مورد همه انواع قوانین افزایش یافته است. این امر نشان می‌دهد که آگاهی والدین نسبت به ضرورت بازبینی و وضع قوانین مرتبط با رفتارهای آنلاین فرزندان، در طول زمان افزایش یافته است. این پژوهش همچنین اثرات این قوانین را از طریق مقایسه رفتارهای آنلاین در خانواده‌هایی که این قوانین وجود دارد با خانواده‌هایی که چنین قوانینی ندارند بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که نوجوانان در صورت وجود قوانین، کمتر از سایت‌های غیرمجاز دیدن می‌کنند.

علاوه بر این، مدت زمانی که نوجوانان صرف فعالیت‌های آنلاین می‌کنند، بستگی به وجود قوانین دارد. فرزندان کلاس‌های ۱۰ و ۱۱ خانواده‌هایی که هیچ قانونی نداشتند، به طور متوسط ۳/۸ ساعت در روز آنلاین بودند؛ این میزان در خانواده‌هایی که در آنها قانونی وضع شده بود، به طور متوسط به ۲/۵ ساعت می‌رسید (مدیا اورنس نتورکس^۱، ۲۰۰۵).

نوع راهبرد والدین بستگی به سبک پدر و مادری یا والدینی^۲ دارد که از این بین، چهار سبک مورد بررسی قرار می‌گیرد: مستبد، مقتدر، آسان‌گیر، و سهل‌انگار. والدین مستبد فشار زیادی بر فرزندان می‌آورند و ملایمت اندکی دارند و به این ترتیب، خودمختاری آنان را محدود می‌کنند. والدین مقتدر قوانین روشنی برای رفتارهای فرزندان می‌گذارند و بر آنها نظارت می‌کنند، اما تا حد زیادی ملایمت به خرج می‌دهند و خودمختاری آنان را به رسمیت می‌شناسند. والدین آسان‌گیر فشار کمی بر فرزندان می‌آورند، به نیازهای آنان پاسخ می‌گویند و خودمختاری زیادی برای آنان فراهم می‌کنند. والدین آسان‌گیر غیرسستی و اهل مدارا هستند؛ به طور قابل توجهی به فرزندان اجازه خودگردانی می‌دهند و از مقابله اجتناب می‌کنند. والدین مقتدر بیشتر از والدین مسامحه‌کار از تکنیک‌های میانجی‌گری ارزیابی و محدودسازی استفاده می‌کنند. مسدود کردن وب‌سایت‌ها از جانب والدین مستبد، مقتدر و آسان‌گیر اجرا می‌شود. میانجی‌گری والدین با سن فرزندان نیز ارتباط است؛ به این ترتیب، هر چه فرزندان بزرگ‌تر شوند، این میانجی‌گری کاهش می‌یابد (ایستن و همکاران، ۲۰۰۶). شواهد بیشتر درباره سبک پدر و مادری و استفاده از رسانه‌ها از مطالعه‌ای بر روی والدین و نوجوانان امریکایی به دست آمده است. این مطالعه که بر نوجوانان فعال در وب‌سایت‌های شبکه‌های اجتماعی تمرکز دارد، اثر سبک پدر و مادری را بر رفتارهای آنلاین آنها مورد بررسی قرار داده است. والدین مقتدر بیشتر از دیگران مایل بودند وب‌سایت‌های شبکه‌های اجتماعی فرزندان را ببینند؛ بعد از آنها والدین مستبد قرار داشتند. والدین مقتدر و مستبد بیش از سایرین محدودیت‌هایی را برای استفاده فرزندان‌شان از رایانه اعمال می‌کردند. بنابراین، به نظر می‌رسد رابطه‌ای قوی بین سبک پدر و مادری و وضع قوانین وجود داشته باشد؛ اما عوامل دیگری نیز دخیل هستند. ونگ^۳ و همکاران (۲۰۰۵)

1. media awareness networks

2. parental style

3. Wang

انسجام بین قوانین والدین را مورد بررسی قرار داده‌اند. با تحلیلی چند متغیری در خصوص قوانین مربوط به استفاده از اینترنت، وبسایت‌ها و نرم‌افزارهای نظارتی، این نتیجه به دست آمد که سن نوجوان پیش‌بین بسیار معناداری از قوانین مربوط به اینترنت و نرم‌افزارهای نظارتی است. والدین به طور معمول محدودیت‌های زمانی کمتری برای نوجوانان بزرگ‌تر اعمال می‌کردند و تمایل کمتری به نصب نرم‌افزارهای نظارتی بر رایانه آنها داشتند. جنسیت و سن والدین نیز بر نظارت و بررسی وبسایت‌های فرزندان‌شان تأثیر داشت. والدین مسن‌تر کمتر از والدین جوان‌تر به نظارت بر وبسایت‌های فرزندان‌شان می‌پرداختند و پدران بیش از مادران تمایل به این ارزیابی داشتند. در مجموع می‌توان گفت، پدران، والدین جوان‌تر، والدینی که همراه با فرزندان‌شان از اینترنت استفاده می‌کنند و والدینی که نوجوانان کوچک‌تر دارند، بیشتر به نظارت بر فعالیت‌های فرزندان‌شان می‌پردازند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله فرایند خانگی شدن اینترنت با رویکردی رشدی - اکولوژیکی بررسی شده است. قرار گرفتن کودکان و نوجوانان در معرض اینترنت اثر دوگانه‌ای بر خانواده دارد: هم اطلاعات مفید بیشتری برای نوجوانان فراهم می‌کند و هم آنان را در معرض برخی اطلاعات ناخواسته، مانند اطلاعات نامعتبر، هرزه‌نگاری و نفرت قرار می‌دهد که ممکن است دیدگاه نوجوان را نسبت به دنیا تحت تأثیر قرار دهد. نگرانی درباره این محتوا بویژه به این دلیل اهمیت دارد که نوجوانی یکی از مراحل رشدی است که نوجوان طی آن به دنبال اطلاعاتی برای پاسخ دادن به پرسش‌های فلسفی می‌گردد.

پس از رسیدن به این نتیجه که اینترنت نفوذپذیری خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بحث به اینجا رسید که فناوری تا چه حد بر مرزهای خانواده اثر می‌گذارد. در بخش دوم مقاله، به اثرات اینترنت بر روابط والدین و نوجوانان پرداختیم و بر سه بعد اصلی تمرکز کردیم: تعارضات والدین و نوجوانان، زمان اختصاص یافته به خانواده و انسجام خانوادگی. زمان اختصاص یافته به خانواده در ایجاد و حفظ انسجام خانواده اهمیت زیادی دارد. این زمان پس از اینکه فرزندان به مرحله نوجوانی می‌رسند، کاهش می‌یابد زیرا آنان بیشتر این زمان را با دوستان‌شان سپری می‌کنند. در مقاله حاضر، شواهدی ارائه

شده است که نشان می‌دهد که حتی با در نظر گرفتن اثرات سن، استفاده روزانه نوجوانان از اینترنت تا حدودی بر زمان اختصاص یافته به خانواده اثر منفی می‌گذارد. این رابطه مستلزم بررسی‌های بیشتر است زیرا نتایج ممکن است نشان‌دهنده یک اثر دوره‌ای باشد. هنگامی که فناوری‌ها نوآورانه باشند، باید زمانی را به یادگیری آنها اختصاص داد؛ این زمان یادگیری می‌تواند به قیمت کاهش یافتن زمان اختصاص یافته برای خانواده و تعاملات اجتماعی باشد. هنگامی که فناوری یکپارچه می‌شود، زمان لازم برای استفاده از آن کاهش می‌یابد و اثر آن بر زمان اختصاص یافته به خانواده بسیار کم‌رنگ می‌شود.

شواهد تجربی ارائه شده نیز نشان می‌دهد که استفاده از اینترنت با افزایش تعارضات بین والدین و فرزندان رابطه دارد. این موضوع، هم در مطالعاتی که تنها اثر اینترنت را بررسی کرده‌اند، تأیید شده است و هم در مطالعاتی که سایر تعارضات رشدی، همچون نمرات درسی و کارهای خانه را مورد توجه قرار داده‌اند. منشأ این تعارضات در مطالعات حاضر ناشناخته مانده است. شواهدی وجود دارد که منشأ این تعارضات ممکن است ارتباطات آنلاین شکل گرفته باشد: مطالعات نشان می‌دهد که میزان تعارضات در خانواده‌هایی که فرزندانشان دوستان آنلاین دارند، بیشتر است. این دوستان چالش جدیدی برای مرزهای خانواده به وجود می‌آورند، زیرا والدین به طور معمول نوعی کنترل را بر دوستانی که فرزندانشان انتخاب می‌کنند، اعمال می‌کنند. پژوهش بیشتری درباره سایر منشأهای تعارضات انجام نشده است و این حوزه مستلزم مطالعات بیشتر است. وجود قوانین و میزان سختگیرانه بودن آنها، همچنین قرار گرفتن نوجوانان در معرض مطالبی که والدین مناسب نمی‌دانند، زمینه‌هایی هستند که کار و مطالعه بیشتری را می‌طلبند.

بخش پایانی این مقاله به انطباق خانواده با اینترنت اختصاص یافته و حوزه جدید و در حال رشدی به نام میانجی‌گری والدین را مورد بررسی قرار داده که در مطالعات مربوط به استفاده از تلویزیون به طور گسترده از آن استفاده شده است. این مفهوم با مطالعه تلاش‌های خانواده برای سازگاری با اینترنت در ارتباط است، اما بیشتر برای جنبه اطلاعاتی اینترنت به کار می‌رود. پیش از انتقال از مطالعات مربوط به تلویزیون به مطالعات مربوط به اینترنت، به کارهای نظری و عملی بیشتری در خصوص شبکه‌های اجتماعی، که برای شکل‌دهی و تداوم روابط ایجاد می‌شوند، نیاز است.

منابع

- Amato, P.R. & Rivera, F. (1999). Paternal Involvement and Children's Behavior. **Journal of Marriage and Family**, Vol. 61, No. 2, pp. 375-384.
- Bybee, C. Robinson, D. & Turow, J. (1982). Determinants of Paternal Guidance of Children's TV Viewing for a Special Subgroup: Mass Media Scholars. **Journal of Broadcasting**, Vol. 26, No. 3, pp. 697-711.
- Daly, K.J. (1996). **Families and Time: Keeping Pace in a Hurried Culture**. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Dubas, J.S. & Gerris, J.R.M. (2002). Longitudinal Changes in the Time Parents Spend in Activities With Their Adolescent Children as a Function of Child age, Pubertal Status, and Gender. **Journal of Family Psychology**, Vol. 16, No. 4, pp. 415-427.
- Fuligni, A.J. (1998). Authority, Autonomy, Parent-Adolescent Conflict and Cohesion. **Developmental Psychology**, 4, pp. 782-792.
- Greenfield, P.M. (2004). Inadvertent Exposure to Pornography on the Internet: Implications for Peer-to-Peer File Sharing Networks for Child Development and Families. **Applied Developmental Psychology**, 25, pp. 741-750.
- Hofferth, S.L. & Sandberg, J.F. (2001). How American Children Spend Their Time. **Journal of Marriage and Family**, 63, pp. 295-308.
- Horst, H. (2008). Families. In I. Mizuko, H. Horst, M. Bitanti, D. Boyd, S. Herr, P.G. Lange et al. **Hanging Out, Messing Around, Geeking Out: Living and Learning With New Media**. Boston: MIT Press.
- Hughes, T.R. & Hans, J.G. (2001). Computers, the internet and families. **Journal of Family Issues**, 22, pp. 776-790.
- Jackson, L.A.; Von Eye, A.; Barbatsis, G.; Biocca, F.; Zhao, Y. & Fitzgerald, H.E. (2003). Internet attitudes and internet use: some

- surprising findings from the HomeNetToo project. **International Journal of Human Computer Studies**, 59, pp. 355-382.
- Kennedy, T.L.M.; Smith, A.; Wells, A.T. & Wellman, B. (2008). **Networked Families**. Washington, DC: Pew Internet and American Life Project.
- Kiesler, S.; Zdaniuk, B.; Lundmark, V. & Kraut, R. (2000). Troubles with the internet: the dynamics of help at home. **Human-Computer Interaction**, 15, pp. 322-351.
- Lee, S.J. & Chae, Y.G. (2007). Children's Internet use in a Family Context: Influence on Family Relationships and Paternal Mediation. **Cyber Psychology and Behavior**, Vol. 10, No. 2, pp. 640-644.
- Liau, A.K.; Khoo, A. & Ang, P.H. (2008). Parental Awareness and Monitoring of Adolescent Internet Use. **Current Psychology**, 27, pp. 217-233.
- Livingstone, S. (2007). Strategies of Parental Regulation in the Media-rich Home. **Computers in Human Behavior**, 23, pp. 920-941.
- Media Awareness Networks**. (Mnet) (2005). Young Canadians in a Wired World. <http://www.media-awareness.ca/english/research/YCWW/phaseII> (accessed 26 June 2009).
- Pardum, C.J.; L'Engle, K.L. & Brown, J.D. (2005). Linking Exposure to Outcomes: Early Adolescents' Consumption of Sexual Content in Six Media. **Mass Communication and Society**, Vol. 8, No. 2, pp. 75-91.
- Rideout, V.; Roberts, D. & Foehr, U. (2005). **Generation M: Media in The Lives of 8-18 Year Olds**. Menlo Park, CA: Henry Kaiser Foundation.
- Rosen, L.D. (2007). **Me, MySpace, and I: Parenting the Net Generation**. London: Palgrave Macmillan.
- Smetana, J.G. & Asquith, P. (1994). Adolescents' and Parents' Conceptions of Parental Authority and Personal Autonomy. **Child Development**, 65, pp. 1147-1162.

- Subrahmanyam, K. & Greenfield, P. (2008). Online Communication and Adolescent relationships. **The Future of Children**, Vol. 18, No. 1, pp. 119-146.
- Sutherland, R.; Furlong, R. & Facer, K. (2003). **Screenplay: Children and Computing in The Home**. London: Routledge-Falmer.
- Valkenburg, P.M. & Peter, J. (2009). The effects of Instant Messaging on the Quality of Adolescents' Exsiting Friendships: a Longitudinal Study. **Journal Of Communication**, 59, pp. 79-97.
- Wajcman, J.; Bittman, M. & Brown, J.E. (2008). Families Without Borders: Mobile Phones, Connectedness and Work-Home Divisions. **Sociology**, 42, pp. 635-652.
- Wang, R.; Bianchi, S. & Raley, S. (2005). Teenager's Internet Use and Family Rules: a Research note. **Journal of Marriage and Family**, 67, pp. 1249-1258.
- Watt, D. & White, J.M. (1994). Computers and the Family life: a Family Developmental Perspective. **Journal of Comparative Family Studies**.
- Wolak, J.; Mitchell, K.J. & Finkelhor, D. (2003). Escaping or Connecting? Characteristics of Youth Who Form Close Online Relationships. **Journal of Adolescence**, 26, pp. 105-119.
- Yates, S.J. & Lockley, E. (2008). **Moments of Separation: Gender, (Not so Remote) Relationships, and the Cell Phone**. In S. Holland Remote Relationships in a Small World. New York: Peter Lang.